

تعادل قوا و حفظ منافع

خوشبختانه یا بدبختانه ، چنگم اجیر ، و یا بحکم اینکه حقیقت را نمی‌توان برای همیشه سکوت داشت ، الفاظ و عبارات فریبنده دیپلماتیک که معمولاً برای پوشانیدن چهرهٔ حقایق تلخ و دردناک درد برای امروز بکار می‌رود ، گاه نگاه کنادزده می‌شود و هدف‌های اصلی در عبارات غربانقرا دا میگردد .

کلمه «تعادل قوا» و «حفظ منافع» که این روزها بیش از هر وقت بر سر زبان رجال سیاسی دنیا در کمال فدا از همان کلمات غربانی است که «بتواند تر حمان حقایق فراوان دردناکی باشد .

مثلاً امروز کمتر دیده می‌شود که یکی از دول بر رگه برای توجیه فلان اقدام خود در خاورمیانه یا نقطه‌ای مشابه آن باین استدلال نشیث وید که اگر این اقدام سورت نمی‌گرفت بر خلاف اصول حق و عدالت ، و اصول انسانی بود ، بلکه محکمتر بن استدلال برای دخالت‌های مستقیم و غیر مستقیم آنها ، و فرستادن میل اسلحه مخرب به یکی از این سرزمینها ، همان است که می‌گویند اگر چنین نمی‌کردم و موازنهٔ نیروها به زیان ما به هم می‌خورد ، و منافع ما به خطر می‌افتاد .

اما اصولاً از طرف حق و عدالت و اصول انسانی ، آیا لازم بود چنین منافی حفظ گردد ، یا نه ؟ و آیا لازم است منجاوزی را تثبیت نمود تا موازنه قوای ملیان او دولتی که مورد تجاوز واقع شده است برقرار گردد یا نه ؟ ... این چنین مسائلی مطرح نیست .

و این بر رگترین داغ تنگی است که بر ریشانی تاریخ معاصر و زندگی ماشینی عصر ما به چشم میخورد ، و تمام پیشرفتهای صنعتی و تکنولوژی را به رنگی غیر رنگ انسانی نشان می دهد .

عین مسئله فلسطینی که امروز صورت داغترین و خطرناکترین مسائل جهانی در آمده ، و بوی جنگ جهانی سوم به خوبی از آن بدشام برسد ، مسئله پیچیده و کلاف سردرگمی نیست که با مقیاسهای انسانی و اصول عدالت و حقوق بشر قابل حل باشد .

در مورد فلسطین مسئله این است که همه از نقاط مختلف جهان در کشوری جمع شده و صاحبان خانه را از خانه شان آوار و بیابانها ساخته ، و خانههای آنها را اشغال نموده اند ، باین مقدار هم قناعت نکرده اند ، به خانهها و سرزمینهای همسایه نیز یورش برده و قسمت زیادی از آنها را تصرف نموده اند ، و برخلاف تصریح قطعنامه سازمان ملل که با اتفاق آراء به تصویب رسیده حاشیه تخریب اراضی اشغال شده ، و روشن ساختن وضع آوارگان نیستند ، سهل است ، برخلاف اختراها و تأکیدهای مکرر سازمان ملل و مجمع عمومی و سیاسی یکی از این مناطق اشغالی (اورشلیم) را تمییر داده ، و به عنوان اشغال عیاشکی رحل آفتاب در آن افکنده اند .

کسی نمی گوید ملت یهود باید از دنیا ریشه کن شود ، و کسی نمی گوید آنها را مقدمات بر انسانها حق حیات و زندگی ندارند . بلکه میگویند شاید افراد منجاوز را در تجاوزشان تشویق کرد و نباید آنها را زیر پا و بر گرفت .

و نباید اجازه داد سازمان ملل که در دنیای پر آشوب امروز روزی کوچکی برای حفظ صلح و عدالت است تا این اندازه تضعیف گردد ، و تمام رشتیز و اعتبار و حیثیت آن با نشانی مکرر قطعنامه های آن ، باین مراحت و روشنی ، از میان برود ، و اعتماد مختصری که ملل کوچک جهان به این پناهگاه ، در برابر آنها طوفانهای سهمگین بین المللی دارند ، بکنی نابود گردد .

ولی باز ای از دولتها بدلیل لزوم حفظ منافع خود ، و باین دست آوردن آراء بیشتر هنگام انتخابات در داخل کشور خویش می گویند باید موازنه قوا حفظ گردد ، و این موازنه به زبان منافع آنها سرسوزنی بهم نخورد !

(بقیه در ص ۳۲)

بقیه از ص ۱۲

و اگر ناراحتی جنگهای جهانی اول و دوم را خواهیم دید اساساً در بدقت بررسی کنیم استدلالاتی مشابه همین استدلالات بود که آتش جنگ جهانی اول و دوم را شعله و رساخت و جهانی را در میان آتش و خون ویران نمود.

در این جهان آفرینش اصول و نظاماتی حکومت میکند که از همه «مترقی و عدالت است. بی اعتنائی به این اصول و نظامات ممکن است چند روزی عکس العمل نداشته باشد. ولی بالاخره ناسازگاری آن با مزاج آفرینش، مخصوصاً با آفرینش انسانها، خود را نشان خواهد داد و به صورت يك بحران عظیم جهانی، با يك جنگ عالمگیر و حشمتك خود نمائی میکند. ما اگر این قوانین و نظامات را فراموش کنیم آنها ما را فراموش نخواهند کرد. و به موقع به سراغ ما خواهند آمد، اما موقتی که شاید دیگر برای جبران نمودن مجال باقی نباشد.

مثلاً ستانه صدای سایه گوش سران جهان نمی رسد. تازه اگر هم میرسید ما این طرز تفکر و تربیتی که با آن خو گرفته اند اثری نداشت، و اگر فرضاً هم اثری در خود آنها می گذاشت، فایده نداشت، زیرا آنها هم کمتر از خود دار آدمی دارند. کار دستخواه های انسانی عظیمی است که پشت این دستگامها خوابیده، و به خاطر همین سناح، اینها را می گردانند و بالاخره با اینجا می رسیم که برای اصلاح وضع آسمان و فوق العاده و عشتقانی که دنیای بشریت امروز با آن روبروست يك گرگوتی و بوسازی اخلاقی و معنوی لازم است تا ما فهمیم فراموش شده ای همچون «حق و عدالت» دور تیره زنده شوند و بشریت از بی راهی خطرناك خود باز گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کتاب حلال

رتال جامع علوم انسانی

از رسول اکرم پیرسیندند: با کیزه ترین که با اقدام است ۱۹

پیامبر فرمود: «عمل الرجل یمده، انسان از مترشح خود

نان بخورد.

• مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۱۲۷ •